پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۸ - ۹۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۵

آیندهٔ روابط ایران و روسیه بر سر سوریه (همکاری یا منازعه؟)

فرهاد وفایی فرد[۱]
روح‌اله طالبی آرانی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۵**

چکیده

از سال ۲۰۱۱، سوریه میدانِ بروز جنگی تمام‌عیار بوده که انواع کنشگران اعم از داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز دولتی و غیردولتی را درگیر ساخته است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت این کشور بین‌المللی‌ترین جنگ داخلی در دوران پس از جنگ سرد را تجربه کرده است. در این چارچوب، از میانِ دولت‌های درگیر در این جنگ، همکاری ایران و روسیه از یک‌سو نقش مهمی در جلوگیری از سرنگونی دولت بشار اسد و از سوی دیگر شکست داعش و روند نابودی یا تضعیف سایر گروه‌های تروریستی داشته است.

اما آنچه در این میان اهمیت دارد، چشم‌انداز این روابط همکاری‌آمیز بر سر سوریه به دنبال ماندگاری دولت بشار اسد و نابودی یا تضعیف تروریسم در این کشور است. هدفی که در این مقاله دنبال می‌شود این است که بر اساسِ روندهای امنیتی موجود در عرصه‌های دیپلماتیک و میدانیِ سوریه، از یک سو نشان دهد آیا ایران و روسیه به عنوان دو کنشگر فعال در منازعه سوریه همکاریِ کنونی را تداوم خواهند بخشید یا به سمت منازعه خواهند رفت و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران چه تدابیری را می‌تواند برای تأمین بهینهٔ منافع خود بیندیشد. در این چارچوب، با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی و با اتکا به روش سناریونویسی، حالت‌هایی را که می‌تواند در مناسبات ایران و روسیه بر سر سوریه پیش آید، بررسی و الزامات راهبردیِ هریک از آن‌ها برای جمهوری اسلامی ایران تحلیل می‌شود.

یافته‌های نوشتار حاکی از آن است که از میان سه سناریویِ کلیِ غلبه همکاری، حرکت به سمت غلبه منازعه و هم‌آیندیِ همکاری/منازعه، سناریویِ سوم محتمل‌ترین به نظر می‌رسد؛ چراکه دو کشور به صورت همزمان از یک‌سو دغدغه‌های ژئوپولیتیک و ایدئولوژیکِ مشترک و ماندگار و از سوی دیگر راهکارها، برنامه‌ها و سیاست‌های متفاوتی در قبال تحولات سوریه برای رفع این دغدغه‌ها دارند؛ در همین راستا، پیشنهاد می‌شود که جمهوری اسلامی ایران حوزه‌های منازعه و همکاری میان دو کشور در سوریه را شناسایی کند و بر سرِ مدیریت آن‌ها با روسیه به یک دستورکار مشترک برسد.

واژه‌های کلیدی: روابط ایران و روسیه، سوریه، الزامات راهبردی، آینده‌پژوهی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. f_vafaeifard@sbu.ac.ir
۲. عضو هیئت علمی گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
r_talebiarani@sbu.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱- مقدمه

از سال ۲۰۱۱ و با آغاز اعتراضات داخلی و تحولات پس از آن، سوریه میدانِ بروز جنگی تمام‌عیار و طولانی بوده است؛ به گونه‌ای که انواع کنشگران اعم از داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیز دولتی و غیردولتی را درگیر ساخته است؛ از این‌رو می‌توان گفت سوریه، بین‌المللی‌ترین جنگ داخلی در دوران پس از جنگ سرد را تجربه کرده و متحمل تلفات و خسارات انسانی و مادی فراوانی در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شده است.

جنگ در سوریه سه دسته از کنشگران را درگیر ساخت؛ داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی. از میان کنشگران داخلی می‌توان به دولت بشار اسد و حامیان داخلی‌اش، کردها، گروه‌های جداشده از ارتش و برخی گروه‌های سلفی جهادی سوری اشاره کرد. دولت‌های ایران، ترکیه، قطر، عربستان سعودی و اتحادیه عرب را نیز می‌توان در زمره کنشگران منطقه‌ای دانست و آمریکا، روسیه، ناتو، شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نیز کنشگران بین‌المللی درگیر در این منازعه بودند.

از سوی دیگر و از جنبه‌ای متفاوت، هر دو گونه کنشگران اثرگذار در صحنه روابط بین‌الملل، یعنی کنشگران دولتی و غیردولتی نیز درگیر جنگ داخلی سوریه شدند. در این میان، با وجود اثرگذاری متفاوت کنشگرانِ غیردولتی، می‌توان آن‌ها را نیز طرف‌های مهمی در این جنگ دانست. برای مثال، گروه‌هایی نظیر داعش، جبهه‌النصره (تحریرالشام کنونی)، نیروهای دموکراتیک سوریه، جیش‌العزه، ارتش آزاد سوریه، جامعه مدنی، افکار عمومی جهانی و رسانه‌ها به‌عنوان کنشگران غیردولتیِ نقش‌آفرین در تحولات سوریه در یک دهه اخیر به شمار می‌آیند.

در این چارچوب، دو موضوع اهمیت فزاینده‌ای یافته است: از یک‌سو، از میانِ طرف‌های درگیر، ایران و روسیه نقش قابل ملاحظه‌ای در روند تحولات سوریه داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که بر تمامی پویش‌های سیاسی، دیپلماتیک و میدانی این کشور اثرگذار بوده‌اند و طبعاً از آن‌ها تأثیر نیز پذیرفته‌اند. البته، بیشترین هماهنگی‌ها را نیز در تمام مدتِ نقش‌آفرینی خود در این منازعه به نمایش گذاشته‌اند. ایران و روسیه در سال‌های جنگ داخلی سوریه بر سر ماندگاری بشار اسد در قدرت به توافق رسیدند و به دنبال آن، تلاش‌های سیاسی و نظامی خود را معطوف به آن ساختند. در بعد نظامی، می‌توان به حضور نیروهای ایرانی و روسی در سوریه و تقسیم کار

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

جنگ زمینی و حمایت هوایی بین دو کشور مذکور برای استقرار ثبات، بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده از سوی گروه‌های تروریستی و حفظ نظام سیاسی این کشور اشاره کرد. در بعد سیاسی نیز ایجاد سازوکار گفت‌وگوهای آستانه که با حضور ترکیه شکل گرفت و چهارده دور از آن تاکنون برگزار شده، نقش مهمی در پیشبرد تحولات سوریه داشته است.

از سوی دیگر، با پایان تسلط جغرافیایی داعش بر خاک سوریه و محدودتر شدن آتش جنگ به بخش‌های نسبتاً کم‌وسعتی از شمال و شمال غرب این کشور ـ در استان‌های ادلب، شمال حماه و غرب حلب ـ با برخی از گروه‌های تروریستی و ماندگاری بشار اسد در قدرت به‌رغم فشارهایِ فزاینده و همه‌جانبه‌ای که در طول این منازعه برای سرنگونی وی اعمال شد، روندها و فرآیندهای سیاسی و رویکرد کنشگران مختلف نسبت به آینده سوریه اهمیت بیشتری یافته است؛ چه‌اینکه روندهای تدوین قانون اساسی و تشکیل کمیته تدوین آن، مشارکت معارضان در قدرت، تحولات شرق فرات و مسئله کردها، بازگشت آوارگان و موضوع بازسازی سوریه، بخشی از مهم‌ترین روندهای فعلی منازعه سوریه است.

بر این اساس، اهمیتِ روزافزونِ موضوعاتِ دوگانهٔ فوق، انجام پژوهشی آینده‌کاوانه در مورد نقش‌آفرینیِ ایران و روسیه در آیندهٔ سوریه را که همزمان آماج فشارهای همه‌جانبهٔ غرب نیز قرار گرفته‌اند بیش از پیش ضروری می‌سازد. به موازاتِ این تحولات، هم در محافل دیپلماتیک و هم در محافل دانشگاهی، گمانه‌زنی‌های مختلفی در مورد مواضع کنونی ایران و روسیه در قبال تحولات سوریه صورت گرفته است؛ به‌گونه‌ای که برخی از واگراییِ آن‌ها به علت منافع ناسازگار در سوریه و برخی دیگر از همگرایی آن‌ها به علت قرار گرفتنِ توأمان در معرض خصومت‌های فزایندهٔ غرب سخن می‌گویند. در این راستا، مسئله‌ای که شایسته بررسی به نظر می‌رسد، چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه و الزامات راهبردی آن برای سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی ایران در قبال این موضوع است.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره روابط ایران و روسیه در منازعه سوریه انجام گرفته است. هرکدام از این پژوهش‌ها از منظری خاص به روابط دو کشور در بستر جنگ داخلی سوریه پرداخته‌اند که برای نمونه برخی از آثار منتشرشده در این زمینه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

برخی از پژوهش‌ها روابط روسیه و ایران در منازعه سوریه را ذیل روابط کلی دو کشور ارزیابی کرده‌اند. برای مثال، فرشادگهر، و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «واکاوی روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران سوریه» پس از بررسی روابط ایران و روسیه از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ به روابط دو کشور در منازعه سوریه نیز پرداخته‌اند. نویسندگان با مفروض دانستن عدم شکل‌گیری اتحاد استراتژیک بین تهران و مسکو در منازعه سوریه و با رویکردی توصیفی نسبت به روابط دو کشور، معتقدند رویکرد اوراسیاگرایی روسیه باعث تحول و تقویت جایگاه ایران در سیاست خارجی این کشور شده است، اما این روابط به دلیل مجموعه‌ای از عوامل موجود در ساختار نظام بین‌الملل، به اتحاد راهبردی و استراتژیک نیانجامیده است.

در این میان، قلم‌فرسایی‌هایی در مورد روابط ایران و روسیه بر سر سوریه و تاثیرات آن بر نظم منطقه‌ای صورت گرفته است. این قبیل آثار همکاری دو کشور در منازعه سوریه و فراز و فرودهای آن را جلوه‌ای از نگاه آنها به ژئوپولیتیک غرب آسیا تلقی می‌کنند. به باور آن‌ها، این روند نوعی محور امنیتی–نظامی را در برابر اقدامات و سیاست‌های امریکا در منطقه پدید آورده است که می‌تواند بر کل تحولات غرب آسیا سایه افکند. برای مثال، قیدا هتو ((۲۰۱۹ در کتابی با عنوان «منازعه سوریه: نقش ایران، روسیه، و امریکا در منازعه‌ای جهانی»، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا روسیه و ایران سرمایه‌گذاری سنگینی در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، و دیپلماتیک منازعه سوریه انجام داده‌اند؛ به میزانی که برابر امریکا و متحدانش به مقابله برخاسته‌اند. وی در پاسخ به این پرسش به دو هدف کلی این دو کشور در «مقابله با هژمونی امریکا» و «تمایل به استقلال از غرب» اشاره می‌کند و استدلال می‌آورد که این دو هدف همسویی‌هایی را در منازعه سوریه میان آن‌ها به دنبال داشته که به دیدگاه مشترک آن‌ها در مورد کل منطقه نیز سرایت کرده است؛ از جمله اینکه هر دو کشور مخالف نقض حاکمیت ملی کشورهای غرب آسیا به هر نحو بوده و هرگونه تغییر در نقشه سیاسی آن را نیز رد کرده‌اند.

در همین راستا، رامی جی. خوری (Khouri, 2018) بر این باور است که منازعه سوریه دو اتحاد متعارض را در منطقه بر ملأ می‌سازد که هریک از آن‌ها نیز متشکل از دولت‌های عربی، قدرت‌های عربی و غیرعربی منطقه، قدرت‌های جهانی و کنشگران غیردولتی محلی است. از

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

نظر وی، این اتحادها چه بسا ممکن است در سایر منازعات خاورمیانه نیز بار دیگر سربرآورند.

مشابهِ همین استدلال را کریم و اسلام (Karim & Islam, 2016) مطرح کرده‌اند. آن‌ها در مقاله‌ای با عنوان «منازعه سوریه: ژئوپولیتیک و الزامات»، مداخله قدرت‌های خارجی را به عنوان یکی از دلایل مهم تعمیق بحران سوریه و طولانی شدنِ آن معرفی کرده و استدلال کرده‌اند که منازعه سوریه هم کل خاورمیانه را شکل خواهد داد و هم بر روابط ایران و روسیه با غرب تأثیر خواهد نهاد. با این حال، هیچ‌یک از این دو اثر به طور دقیق و متمایز به دورنمای روابط ایران و روسیه بر سر سوریه نپرداخته‌اند.

از سوی دیگر، آثاری نیز وجود دارند که بر اثرات سیاست خارجی روسیه در سوریه بر منافع ملی و امنیت جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده‌اند. به عنوان نمونه، درآینده و احمدی (۱۳۹۷) در مقاله «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران» پس از بررسی چرایی ورود مسکو به منازعه سوریه و چگونگی سیاست‌ورزی این کشور در سال‌های بعد، به آزمون این فرضیه می‌پردازند که روسیه برای ایجاد موازنه در برابر تهدیدات غرب و آمریکا وارد منازعه سوریه شد؛ ورودی که اگرچه برخی همسویی‌ها با منافع ایران را در خود داشته است، اما می‌تواند چالش‌هایی نیز برای منافع ملی و امنیت جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. کوچک‌زاده و گودرزی (۱۳۹۷) هم در «نظریه انتخاب عقلایی؛ دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، حضور نظامی روسیه در منازعه سوریه را به دلیل داشتن وجه بین‌المللی علاوه بر ابعاد داخلی و منطقه‌ای، در راستای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌کنند.

علاوه بر این‌ها، دسته‌ای از آثار نیز وجود دارند که پس از ورود روسیه به منازعه سوریه به بررسی روابط دو کشور در این منازعه پرداخته و پیش‌بینی‌هایی نیز ارائه داده‌اند. برای مثال، کوژنوف و دوتکیویچ (۲۰۱۶) در تحلیلی با عنوان «جنگ داخلی در سوریه و سیر تحول روابط ایران و روسیه» استدلال می‌کنند که در حال حاضر تهران و مسکو یک ازدواج مصلحتی را شکل داده‌اند که در آن هرکدام می‌کوشند اهداف خود را از طریق تلاشی مشترک در سوریه تحقق بخشند. به نظر آن‌ها، در تداوم این ازدواج مصلحتی، نقش بازیگران ثالث به ویژه کشورهای عرب شورای همکاری خلیج فَارس به مراتب پررنگ‌تر از تحولات داخلی در سوریه است. در همین راستا، صادقی و مرادی (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در پرتو بحران سوریه» معتقدند با وجود برخی تضادها در رویکرد دو کشور، منازعه سوریه بستر مناسبی را برای ائتلاف تهران و مسکو فراهم آورده است.

برخی از آثار نیز به بررسی روابط ایران و روسیه در منازعه سوریه از منظر رقابت اقتصادی پرداخته‌اند. برای مثال، حتاحت (Hataher, 2019) در اثرِ خود با عنوان «روسیه و ایران: نفوذ اقتصادی در سوریه»، معتقد است مسکو و تهران در حال رقابت در حوزه‌های مختلفی ازجمله نفت و گاز، برق و مخابرات و کشاورزی در منازعه سوریه هستند و در این رقابت، روسیه از ایران پیش افتاده است. این گزارش، رقابت اقتصادی را مهم‌ترین مشخصه روابط فعلی تهران و مسکو در منازعه سوریه می‌داند، ولی هیچ سخنی از آینده این رقابت با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی به میان نمی‌آوَرَد.

درنهایت، در کنار این آثار، دسته‌ای از مقالات نیز به صورت کلی به بررسی روندهای آتی در منازعه سوریه پرداخته‌اند. برای مثال، در گزارشی با عنوان «سوریه در سال ۲۰۱۹: چهار سناریو، الزامات برای سیاستگذاری» (Meijnders et al, 2017) استدلال می‌کنند که آینده سوریه جولانگاه منازعه‌ای مداوم خواهد بود که استمرار نقش‌آفرینی کنشگران خارجی از قبیل ایران و روسیه در این کشور را گریزناپذیر می‌سازد. با این حال، آن‌ها برآورد نمی‌کنند که نقش‌آفرینیِ ایران و روسیه چه سمت و سویی خواهد یافت. میچل داکلاس اما به طور خاص‌تر به این موضوع می‌پردازد. وی در نوشته خود با عنوان «روسیه و ایران در سوریه: شراکت اقتضایی یا اتحاد ماندگار» (Duclos, 2019) استدلال می‌کند که روسیه و ایران نه بر اساس نوعی علقه متقابل بلکه به دلایل عمل‌گرایانه به صورت متحدانی در تحولات سوریه درآمده‌اند. وی همچنین بر این باور است که این اتحاد به اقتضای تحولات می‌تواند مستعجل نیز باشد. ترابی و موسوی (۱۳۹۶) در «سناریوهای پیش‌روی سوریه و امنیت ایران» به ارزیابی آینده‌های احتمالی بحران سوریه پرداخته و پیامدها و نتایج آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را نیز بررسی کرده‌اند. مشابه این روند را البته با تفصیل بیشتر و حالت کلی‌تر در آثار دیگری نیز می‌توان یافت. پدرام و زالی (۱۳۹۷) در «الگوی نوین برای سناریونویسی در موضوعات راهبردی؛ مطالعه موردی سناریوهای آینده بحران سوریه»، آینده منازعه سوریه را در قالب سناریوهای عبور از بحران، حفظ سنگر، شکستن محاصره، حفظ معبر و فتح شام مورد بررسی قرار می‌دهند. حسینی و رحیم‌پور (۱۳۹۸) نیز در «سناریوهای پیش‌روی ایران

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

در بحران‌های سوریه و عراق و راهبردهای برون‌رفت از آن‌ها» نشان می‌دهند که احتمال تشکیل حکومت متحد و منسجم با مجموعه‌ای از تهدیدات و فرصت‌ها برای همسایگان ازجمله جمهوری اسلامی ایران در عراق بیشتر است. این پژوهش در ادامه بر این نکته تأکید می‌کند که در سوریه با توجه به وضعیت موازنه قوا، آینده پیچیده‌تری متصور و امکان تشکیل حکومت فدرالی محتمل‌تر است.

در مجموع به نظر می‌رسد اگرچه ادبیات چشمگیری درباره تحولات سوریه تولید شده است، اما این قبیل آثار به این موضوع توجه کافی نداشته‌اند که روابط ایران و روسیه بر سر سوریه، همواره آمیزه‌ای از منازعه و همکاری بوده است و در نتیجه آن را بر حسب دورنمای همکاری و منازعه بررسی نکرده‌اند؛ از این‌رو، خلأ بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی با روش سناریونویسی برای ارزیابی دورنمای روابط ایران و روسیه بر سر به صورت جدی احساس می‌شود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۳- چارچوب مفهومی

در تلاش برای رفع کاستیِ مفهومی در این قسمت تلاش می‌شود روابط میان دولت‌ها در پرتوی دو مفهوم همکاری و منازعه بررسی شود که سابقه دیرینه‌ای در نحوه نگرش به روابط میان دولت‌ها دارد. با این حال، باید خاطرنشان کرد که جوزف نای و دیوید ولش تأثیرگذارترین کسانی بوده‌اند که در کتابی با عنوان «فهم منازعه و همکاری جهانی: مقدمه‌ای بر نظریه و تاریخ» به احیای مفهوم‌پردازی در مورد این دوگانه پرداخته‌اند (Nye & Welch, 2014: iv). آن‌ها هدف از نگارش این کتاب را تلاش برای پر کردن شکاف میان نظریه و عمل در روابط بین‌الملل اعلام و استدلال کرده‌اند که عرصه بین‌المللی نه پهنهٔ همکاریِ صِرف است و نه قلمروی منازعهٔ گریزناپذیر؛ بلکه پذیرای هر دو به شمار می‌آید. به تأسی از آن‌ها می‌توان گفت که به صورت کلی، روابط بین‌الملل، عرصهٔ نقش‌آفرینی کنشگرانی است که ابزارهای متعدد و متنوعی را به کار می‌برند تا منافع خود را دنبال کنند. در این چارچوب، همکاری در وضعیتی شکل می‌گیرد که میان بازیگران مختلف، سازگاری منافع وجود داشته باشد. به بیان بهتر، همکاری وضعیتی است که بازیگران، پیگیری و پیشبرد منافع خود را به گونه‌ای دنبال می‌کنند که در نتیجه آن، زمینه تأمین منافع دیگری/دیگران تسهیل می‌شود (Keohane, 1984:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

51-52). در سطح کلان نظام بین‌الملل، می‌توان همکاری را سازگاری رفتار بازیگران از طریق هماهنگ‌سازی دانست؛ وضعیتی که طرف‌ها توافق می‌کنند با یکدیگر کار کنند تا ضمن پرداخت هزینه، منافع جدیدی را برای سایر شرکت‌کنندگان ایجاد کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۶۹-۱۶۸).

در مقابل، منازعه در اثر ناسازگاری منافع میان بازیگران شکل می‌گیرد. به بیان بهتر، منازعه را می‌توان وضعیتی دانست که بازیگران درگیر در آن تلاش می‌کنند علاوه بر دستیابی به منافع مشخص، دیگری/دیگران را از رسیدن به هدف مطلوب بازدارند (قربانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۶۸). در وضعیت همکاری، هماهنگی ویژگی غالب است ولی در عین حال رقابت بین بازیگران نیز وجود دارد، در مقابل، در وضعیت منازعه، اختلاف و تضاد منافع، ویژگی اصلی و مرکزی محسوب می‌شود (عسگرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

بر اساس تعاریف فوق می‌توان گفت که همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل، دو وضعیت کلی و عمومی هستند. به عبارت دیگر، هم روابط همکاری‌آمیز میان کنشگران، طیفی از وضعیت‌های متفاوت را دربرمی‌گیرد و هم روابط منازعه‌آلود شامل سطوح مختلفی می‌شود. از این‌رو برای هرکدام از وضعیت‌های همکاری و منازعه، می‌توان پیوستاری از روابط بین کنشگران را در نظر گرفت که البته امکان جابه‌جایی بین این وضعیت‌ها و حرکت به سمت ارتقا یا تنزل همکاری در روابط بین بازیگران وجود دارد. براین اساس، همکاری وضعیتی است طیفی، که از تفاهم میان کنشگران آغاز شده و با سازگاری هرچه بیشتر منافع آن‌ها به سمت توافق، ائتلاف، اتحاد و در نهایت تحقق جامعه امن حرکت می‌کند؛ در چنین وضعیتی، طرف‌ها وقوع جنگ میان یکدیگر را غیرممکن می‌دانند (طالبی آرانی، ۱۳۹۸). بدیهی به نظر می‌رسد که در این پیوستار هرچه میزان سازگاری منافع بیشتر باشد، سطح همکاری ارتقا می‌یابد. پایین‌ترین سطح سازگاری منافع در یک روابط همکاری‌آمیز، تفاهم نسبت به موضوعات و تحولات بین دو بازیگر است که در واقع نقطه آغاز همکاری به شمار می‌آید.

از سوی دیگر، منازعه نیز وضعیتی است که از سوءتفاهم میان کنشگران که عمدتاً جنبه حقوقی دارد، آغاز می‌شود و با ناسازگاری هرچه بیشتر منافع آن‌ها به سمت اختلاف، تنش، بحران و در نهایت وقوع جنگ حرکت می‌کند. در این پیوستار، هرچه میزان ناسازگاری منافع نسبت به سازگاری منافع غلبه یابد، کنشگران از روابط همکاری‌آمیز دور شده و به سمت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

روابط منازعه‌آلود نزدیک می‌شوند. بالاترین سطح ناسازگاری منافع در روابط میان کنشگران بین‌المللی را می‌توان در وقوع پدیده جنگ ملاحظه کرد. نمودار زیر پیوستار همکاری–منازعه را نشان می‌دهد.

همکاری منازعه



جامعه‌امن اتحاد ائتلاف توافق تفاهم سوء تفاهم اختلاف تنش بحران جنگ

در این چارچوب، آثار زیادی در رشته روابط بین‌الملل به نگارش درآمده‌اند که از این دوگانه‌آفرینیِ مفهومی تأثیر پذیرفته‌اند: برای مثال، از میانِ جدیدترینِ آن‌ها، بلانچارد و شِن (۲۰۱۵) پیوستگی و گسستگی در روابط امریکا و چین را بر حسب دو مفهوم همکاری و منازعه تحلیل کرده‌اند؛ سوزوکی و اُکادا (۲۰۱۷) غرب آسیا را به عنوان معرکه‌ای به تصویر کشیده‌اند که بازی‌های همکاری و منازعه در آن جریان دارد. اما هیچ‌کدام از آثاری که برحسب این دو مفهوم به رشته تقریر درآمده به این واقعیت توجه نداشته‌اند که شکل‌گیری همکاری و منازعه در هر مقطع زمانی بر مقاطع آینده نیز اثرگذار است. به عبارت دیگر اینکه کنشگران بین‌المللی در یک مقطع زمانی، در وضعیت همکاری یا منازعه قرار داشته باشند، به میزان بالایی به روابط همکاری‌آمیز و منازعه‌آلود آن‌ها در گذشته نیز ارتباط پیدا می‌کند. از این‌رو می‌توان گفت که وضعیت روابط همکاری‌آمیز و منازعه‌آلود بین کنشگران بین‌المللی در گذشته و حال بر آینده روابط آن‌ها نیز اثرگذار است و می‌تواند روابط آنها را به‌سمت همکاری یا منازعه سوق دهد. وضعیت‌های آینده منازعه و همکاری را می‌توان در قالب سناریوهای متفاوت مطرح کرد که متأثر از سه دسته عواملِ «سدکننده‌ها، پیشران‌ها و شگفتی‌سازها» شکل می‌گیرند؛ در این میان، تشریحِ دورنمایِ آینده در این زمینه، مستلزم بهره‌گیری از رویکرد و روش متناسب است.

۴- رویکرد و روش پژوهش

با توجه به کاستی روش‌شناختی که در جمع‌بندیِ پیشینه پژوهش اشاره شد، در این نوشتار از رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی استفاده می‌شود. رویکرد آینده‌پژوهی به دنبال

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مطالعه نظام‌مند، کشف، ابداع، ارائه و آزمون آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است (Bell, 1996: 73) که می‌تواند در حالت حداقلی به پیش‌بینی رویدادها و روندهای محتمل بپردازد و در حالت حداکثری علاوه بر پیش‌بینی، راه‌های حصول به سناریو مطلوب را نیز تجویز کند. بنابراین، می‌توان گفت که آینده‌پژوهی چگونگی تحقق آینده از درون تغییرات امروز را توضیح می‌دهد (Bell, 1996) که توانایی فراوانی برای به چالش کشیدنِ مفروضات ساختار تصمیم‌گیری واحدهای تحلیل دارد (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۸).

سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های پرکاربرد آینده‌پژوهی به کار گرفته می‌شود و روشی است که با تجزیه و تحلیل کنشگری بازیگران مختلف و امکان‌سنجی چگونگی بروز تغییرات در شاخصه‌های فعلی یک وضعیت، به بیان وضعیت‌های مطلوب، محتمل یا ممکن در آینده می‌پردازد. در این راستا، در ادبیات آینده‌پژوهی، آینده به سه دسته تقسیم می‌شود: آینده مطلوب که رویدادهای مطلوب برای وقوع آینده را در نظر می‌گیرد، آینده محتمل که به معنای در نظر گرفتن رویدادهایی است که احتمال وقوع آن‌ها در آینده بیشتر است و آینده ممکن که همه سناریوها را اعم از مطلوب یا نامطلوب و محتمل یا نامحتمل مورد توجه قرار می‌دهد (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

به صورت کلی، سناریوها گزینه‌های بدیل برای آینده را طرح می‌کنند که مطلوب یا نامطلوب بودن آن‌ها قابل ارزیابی باشد. بنابراین آن‌ها ابزارهای مناسبی برای کاوش وضعیت‌های محتمل و عوامل شگفتی‌ساز هستند (پدرام و زالی، ۱۳۹۷)؛ از سوی دیگر، همواره عدم قطعیت‌هایی نیز درون خود دارند. به عبارت دیگر، از این عدم‌قطعیت‌هاست که سناریوهای متمایز و متعدد، متولد می‌شود. از این‌رو سناریوها می‌تواند تعیین‌کننده برنامه‌ها و سیاست‌ورزی کنشگران باشد (Carpenter, 2003: 360).

یکی از مهم‌ترین گام‌های سناریونویسی، شناخت «پیشران‌ها»، شناخت «سدکننده‌ها» و شناخت «شگفتی‌سازها» است. این سه عامل پیش از نگارش سناریوها، باید احصا و تبیین شود تا روند سناریونویسی بر اساس روش مشخصی پیش‌رود. پیشران‌ها، نیروهایی هستند که با اثرگذاری بر رویدادها، باعث شکل‌گیری و تغییر در سناریوها می‌شوند (شوارتز، ۱۳۸۶) و آن‌ها را می‌توان عامل تغییر طرح‌ها دانست. در نقطه مقابلِ پیشران‌ها که باعث وقوع سناریوها می‌شوند، سدکننده‌ها قرار دارند که موانعی برای تحقق سناریوها ایجاد می‌کنند. سدکننده‌ها را

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

می‌توان از جمله عواملی دانست که در صورت تمایل کنشگران برای تحقق سناریوی مطلوب، باید برای کنترل و مدیریت آن‌ها اقدامات مناسبی انجام داد. در روش سناریونویسی، علاوه بر دو مؤلفه پیشران‌ها و سدکننده‌ها، شگفتی‌سازها نیز وجود دارند و همانطور که از عنوان آن مشخص است، تحقق آن می‌تواند کلیت یک سناریو را با تغییر و تحول اساسی روبه‌رو سازد. بنابراین شگفتی‌سازها می‌توانند روندها و شرایط جدیدی را رقم بزنند. شگفتی‌سازها از چنان قابلیتی برخوردارند که می‌توانند روابط همکاری‌آمیز را به روابط منازعه‌آلود و برعکس دگرگون کنند.

در این چارچوب، پیش از برشمردنِ سناریوهای روابط ایران و روسیه در سوریه، تحلیلِ سه دسته عواملِ «سدکننده‌ها، پیشران‌ها و شگفتی‌سازها» ی حکم‌فرما در وضعیت کنونی سوریه که می‌توانند بر آن‌ها تأثیر بگذارند، ضروری به نظر می‌رسد.

۵- عناصر مهم در سناریوهای روابط ایران و روسیه در سوریه

در این بخش تلاش می‌شود تا شاخصه‌های اصلی سه عامل مهم در سناریوهای ممکن روابط ایران و روسیه در منازعه سوریه؛ یعنی پیشران‌ها، سدکننده‌ها و شگفتی‌سازها احصا شود. از این‌رو با مشاهده وضعیت سیاسی و میدانی سوریه از یک‌سو و تأمل در موضوعات حائز اهمیت برای روندهای آتی این کشور از سوی دیگر، هرکدام از این عناصر معرفی و بررسی می‌شود.

۱-۵- پیشران‌ها

مجموعه عوامل و متغیرهایی که جزو نقاط مشترک منافع ایران و روسیه در سوریه محسوب می‌شود را می‌توان به عنوان پیشران مورد بررسی قرار داد. از این‌رو، رویدادها و روندهایی که باعث حرکت ایران و روسیه در مسیر افزایش همکاری و کاهش منازعه می‌شود، ذیل پیشران‌ها طرح و بررسی می‌شود که در ادامه می‌آید:

۱-۱-۵- مبارزه با تروریسم

یکی از مواردی که به نوعی نقطه اشتراک ایران و روسیه در منازعه سوریه محسوب می‌شود، تبعی بودن منافع دو کشور است. هردو کشور بنا به مجموعه عوامل و زمینه‌هایی وارد این منازعه شده و به نقش‌آفرینی پرداختند. به عبارت دیگر ورود و کنشگری ایران و روسیه در منازعه سوریه، وابسته به یک یا چند تهدید یا فرصت دیگری بوده است که مبارزه

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

با تروریسم را می‌توان یکی از این منافع مشترک دانست (ستوده و کیانی،۱۳۹۷: ۱۶۸).

در این شرایط، یکی از مهم‌ترین دلایل و زمینه‌های ورود روسیه به منازعه سوریه را می‌توان مبارزه با تروریست‌ها دانست. روس‌ها با هدف ممانعت از نزدیکی تروریست‌هایی که در خاک سوریه در حال جنگ هستند به آسیای میانه و مرزهای خود، به نقش‌آفرینی در سوریه پرداختند (مسعودی، ۱۳۹۲). این هدف اگرچه با پایان نسبی جغرافیای داعش در خاک سوریه محقق شده است، اما معارضان مسلح مستقر در مناطق شمالی سوریه ازجمله استان ادلب مانند «تحریرالشام» و «جیش‌العزه»، تروریست‌های چندملیتی‌ای هستند که بسیاری از آن‌ها از آسیای میانه و قفقاز به سوریه کوچ کرده و تاکنون نیز بارها با ارتش سوریه که از حمایت هوایی روس‌ها بهره می‌برد، درگیری‌های شدیدی داشته‌اند.

جمهوری اسلامی ایران نیز براساس درکی که از ماهیت تهدیدآمیز گروه‌های تروریستی ازجمله داعش در سوریه پیدا کرد، مبارزه با آن‌ها را در دستور کار خود قرار داد. در این چارچوب، هدف اصلی گروه‌های تروریستی مستقر در سوریه، ضربه به منافع ایران از طریق نزدیکی به مرزها و احیاناً ورود به خاک کشور تلقی شد و ایران نیز نیروهای مستشاری خود را عازم سوریه کرد. با وجود گسترش سیطره نظام سوریه بر بخش‌های مهمی از خاک این کشور اما همچنان مسئله تروریسم و تغییر نام برخی از این گروه‌ها برای مشارکت در آینده سیاسی سوریه پابرجاست و این مبارزه مشترک می‌تواند پیشران روابط تهران–مسکو در فضای پسامنازعاتی سوریه باشد (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۴۱–۴۲).

۲–۱–۵– نیاز متقابل ایران و روسیه به یکدیگر

روسیه و جمهوری اسلامی ایران با اهداف متفاوت، برای نقش‌آفرینی در منازعه سوریه به یکدیگر نیاز داشته و دارند. پس از آغاز منازعه و تا پیش از حضور نیروهای روسی در قالب عملیات هوایی، دولت بشار اسد تا آستانه سقوط پیش رفته بود و این می‌توانست بالاترین نقطه آسیب به منافع ایران در سوریه باشد. براین اساس و بنا بر برخی اخبار رسانه‌ها، این مسئولان نظامی ایرانی بودند که در اقناع رئیس‌جمهور روسیه برای نقش‌آفرینی مستقیم در منازعه سوریه، نقش اصلی را ایفا کردند (Bozorgmehr, 2015).

روسیه با توجه به مجموعه‌ای از الزامات و دلایل مختلف ازجمله افزایش نفوذ در غرب آسیا برای قدرت‌یابی برابر آمریکا، افزایش عرصه‌های مواجهه با غرب و کاهش تمرکز در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مسئله اکراین و منافع اقتصادی سوریه ازجمله انرژی وارد منازعه سوریه شد (Jones et al, 2019). به عبارت دیگر، منازعه سوریه و حضور ایران در آن، کاتالیزوری برای کنشگری و نقش‌آفرینی مسکو در غرب آسیا بود. وضعیتی که البته همچنان به دلایل مختلفی تداوم دارد. در سال‌های گذشته، بازیگران منازعه سوریه در تقسیم‌بندی کلی با وجود اختلافات در برخی زمینه‌ها از دو محور تشکیل شده است که ایران و روسیه در یک محور قرار می‌گرفتند. این سازگاری منافع و نیاز متقابل اما همچنان تداوم دارد. چه‌اینکه هر دو کشور می‌توانند از یکدیگر به عنوان عاملی موازنه‌ساز در رقابت با طرف‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای استفاده کنند.

۳-۱-۵- حفظ نظم سیاسی حاکم بر سوریه

یکی از مهم‌ترین پیشران‌های روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه، می‌تواند حفظ نظم سیاسی حاکم بر این کشور باشد. ایران و روسیه به روش‌های مختلف با تغییر اساسی در نظم سیاسی حاکم بر سوریه از منظر دگرگونی عمیق راهبردها و رویکردها، مخالفت کردند و مانع از تحقق خواست برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شدند. حضور نظامی ایران و روسیه و ایجاد سازوکار «آستانه» برای کاهش اثرگذاری سازوکار «ژنو» را نیز در این چارچوب می‌توان ارزیابی کرد.

در این راستا، نظم مورد انتظار تهران و مسکو در شرایط فعلی سوریه با حضور بشار اسد در قدرت تداوم پیدا می‌کند. چه‌اینکه هردو کشور با همه طرح‌هایی که پیش‌شرط آن کناره‌گیری اسد از قدرت بوده، مخالفت کردند. روسیه حداقل در مقطع فعلی، حاکمیت فعلی سوریه را برای پیشبرد راهبردهای ژئوپلتیک خود در غرب آسیا مناسب‌تر می‌داند (Laruelle, 2019, 37-39). جمهوری اسلامی ایران نیز آن‌چنان که دیدار بشار اسد از تهران و ملاقات با عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی ایران نشان داد، حمایت تام و تمامی از نظام سیاسی فعلی سوریه با حضور اسد در قدرت دارد.

۲-۵- سدکننده‌ها

مجموعه عوامل و متغیرهایی که جزو نقاط اختلاف سیاست‌های ایران و روسیه در منازعه سوریه محسوب می‌شود را می‌توان به عنوان عوامل سدکننده درنظر گرفت. براین اساس، رویدادها و روندهایی که باعث حرکت ایران و روسیه در مسیر کاهش همکاری و افزایش منازعه می‌شود، ذیل سدکننده‌ها طرح و بررسی می‌شود که در ادامه می‌آید:

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱-۲-۵- درک متفاوت از لزوم بقای بشار اسد در قدرت

ایران و روسیه نسبت به حضور بشار اسد در قدرت حداقل در مقطع فعلی توافق دارند. هردو کشور به دلایل مختلف که برخی از آن‌ها در بخش پیشین مطرح شد، رئیس‌جمهور فعلی را مطلوب‌ترین گزینه موجود برای تحقق منافع خود البته در مقطع فعلی می‌دانند. اما در رویکرد دو کشور نسبت به این موضوع، یک تفاوت مبنایی وجود دارد که امکان بروز برخی اختلافات را افزایش می‌دهد. این نقطه اختلاف، علت حمایت از ماندن بشار اسد در قدرت است که تهران و مسکو نسبت به آن دیدگاه متفاوتی دارند.

در این چارچوب پافشاری جمهوری اسلامی ایران بر بقای اسد در قدرت را می‌توان مبتنی بر نقش حمایتی وی در «محور مقاومت» تلقی کرد. به عبارت دیگر ایران رویکردی ایجابی به حضور اسد در قدرت دارد و معتقد است وی باید حداقل تا پایان فرآیند سیاسی و تصویب قانون اساسی در قدرت بماند و پس از آن نیز بتواند در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کند. زیرا ایران کشنگری فعال محور مقاومت را منوط به بقای اسد در قدرت می‌داند (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶-۱۳). در این نگاه، حذف اسد از نظام سیاسی سوریه، می‌تواند باعث آسیب جدی به نقش نیروهای مقاومت در سیاست‌های منطقه‌ای ایران وارد کند.

در سوی مقابل اما روسیه رویکردی سلبی به ضرورت حضور بشار اسد در قدرت دارد. روس‌ها اگرچه همانند ایران، اسد را -البته در مقطع فعلی- بهترین گزینه برای حفظ منافع خود می‌دانند، اما علت این رویکرد آن‌ها -برخلاف ایران- مبارزه با تروریسم در سوریه است. چه‌اینکه رئیس‌جمهور روسیه نیز در ابتدای بحران تأکید کرده بود که مسکو بیش و پیش از آنکه بر ماندن بشار اسد در قدرت پافشاری کند، قائل به حفظ نظام فعلی سوریه است تا از این طریق، مانع از تسلط احتمالی برخی گروه‌های تندرو زیرمجموعه «اخوان‌المسلمین» بر سوریه و گسترش بی‌ثباتی به آسیای میانه شود. براین اساس و با توجه به پایان تسلط داعش بر سوریه و پذیرش احتمالی برخی گروه‌های معارض از سوی روسیه برای شرکت در مذاکرات سیاسی، این موضوع می‌تواند به نقطه اختلافی بین ایران و روسیه تبدیل شود.

۲-۲-۵- رقابت اقتصادی

سوریه پس از هشت سال جنگ داخلی در شرایط نامناسبی به لحاظ تلفات انسانی و ویرانی‌های گسترده قرار دارد. براساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

تا دسامبر ۲۰۱۹ میلادی نام حدود ۵,۷ میلیون نفر از مردم این کشور به‌عنوان پناهنده ثبت شده است (UNHCR, 2019). بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه چندی پیش رقم موردنیاز برای بازسازی این کشور را ۴۱۰ میلیارد دلار تخمین زد (Hodali, 2019). بنابراین بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ در سوریه، یکی از موضوعات مهم در روندهای آینده این کشور محسوب می‌شود (Shatz, 2019). در این راستا یکی از عرصه‌هایی که ناسازگاری منافع ایران و روسیه در آن وجود دارد و دو کشور تلاش گسترده‌ای برای نقش‌آفرینی در آن را آغاز کرده‌اند، کسب امتیازات اقتصادی در سوریه است. برای مثال ایران با ۱۲ عضو و روسیه با ۱۰۱ عضو از تاجران و فعالان تجاری و بازرگانی، شورای توسعه روابط اقتصادی سوریه را با هدف مشارکت در بازسازی این کشور، تشکیل داده‌اند (Hataher, 2019).

بنابراین رقابت اقتصادی را می‌توان عاملی برای کاهش سطح روابط همکاری‌آمیز دو کشور دانست. به نظر می‌رسد روس‌ها با توجه به حضور نظامی ایران در سوریه و برداشت تهدیدآمیز اسرائیل از آن از یک‌سو و امکان تحریم فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با بازسازی سوریه در صورت همکاری تهران با دمشق از سوی دیگر، تمایل به افزایش نقش اقتصادی ایران در سوریه ندارند. چه‌اینکه هم‌اکنون نیز رقابت مهمی در عرصه‌های مختلفی ازجمله نفت و گاز، مدیریت بنادر، معادن فسفات، فناوری اطلاعات، کشاورزی، مخابرات و ... میان دو کشور وجود دارد (Matveev, 2019). به همین دلیل، به نظر می‌رسد نقش‌آفرینی اقتصادی کشورهای عربی و غربی در فرآیند بازسازی سوریه، احتمالاً گزینه اجتناب‌ناپذیر مسکو باشد؛ هم از جنبه تأمین منابع مالی و هم از جنبه مصون ماندن از تحریم‌های آمریکا (Barnes-Dacey, 2019: 61).

۳-۲-۵- نحوه تعامل با بازیگران منازعه

در منازعه سوریه، بازیگران و کنشگران متعددی وجود دارند که هرکدام منافع و مطلوبیت‌های متفاوتی دارند. روسیه در راستای تمایل برای مدیریت تحولات سوریه، سطحی از همکاری را با همه بازیگران ازجمله ترکیه و اسرائیل برقرار کرده است. روسیه علاوه بر تلاش برای فهم دغدغه‌های امنیتی اسرائیل نسبت به ایران و عدم واکنش جدی نسبت به حملات موشکی اسرائیل به خاک سوریه، روابط خود با ترکیه را نیز ارتقا داده است. طراحی و پیشبرد سازوکار آستانه و نرمش مقابل ترکیه در مواجهه با سیاست‌های این کشور در سوریه

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

ازجمله اجرای عملیات در شمال سوریه و تلاش برای ایجاد منطقه حائل در شرق فرات، در این راستا قابل ارزیابی است.

این نوع خاص از کنشگری روسیه در تقابل با رویکرد ایران نسبت به برخی تحولات سوریه قرار دارد. ایران با توافق رؤسای جمهور روسیه و ترکیه درباره ایجاد منطقه کاهش تنش در ادلب که در «سوچی» و بدون حضور تهران صورت گرفت، مخالف بود؛ علاوه بر این، نسبت به عدم استقرار کامل سامانه‌های پدافندی S-300 در سوریه انتقاد دارد و تلاش روسیه برای نقش‌آفرینی برخی کشورهای غربی در فرآیند بازسازی سوریه را در تضاد با منافع خود می‌داند (Barnes-Dacey, 2019:63). بنابراین رویکرد تهران و مسکو نسبت به تعامل با سایر بازیگران حاضر در منازعه سوریه نیز می‌تواند ازجمله عوامل سدکننده ارتقای همکاری دو کشور باشد.

۳-۵- شگفتی‌سازها

در صورت‌بندی روابط آینده ایران و روسیه در منازعه سوریه، مجموعه عوامل و متغیرهایی که می‌توانند روند تحولات آتی را دستخوش تغییرات اساسی و ریشه‌ای کنند، شگفتی‌سازها هستند. این رویدادها می‌توانند بر مسیر روابط همکاری‌آمیز یا منازعه‌آلود ایران و روسیه در منازعه سوریه، اثرات برجسته‌ای داشته باشند و درنتیجه هرکدام از سناریوهای احتمالی را نیز با دگرگونی مواجه کنند. این عوامل در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱-۳-۵- تغییر در نظام داخلی

یکی از رویدادهایی که می‌تواند در روابط ایران و روسیه در منازعه سوریه تأثیر تعیین‌کننده داشته باشد و باعث برهم خوردن سناریوها شود، تغییر در کلیت نظم داخلی یا به عبارت دیگر نظام سیاسی ایران، روسیه و سوریه است. این تغییر که می‌تواند در اثر عوامل متنوع و پیش‌بینی‌نشده‌ای چون مرگ، ترور، اعتراضات داخلی، جنگ خارجی و ... روی دهد، تأثیرات شگرفی بر روابط همکاری‌آمیز یا منازعه‌آلود ایران و روسیه در سوریه خواهد گذاشت.

البته علاوه بر امکان چنین گسستی در نظام داخلی ایران، روسیه و سوریه، می‌توان به امکان دگرگونی در رویکردهای داخلی این سه کشور که نتایجی در سیاست خارجی داشته باشد نیز اشاره کرد. این تغییر و تحولات می‌تواند در نتیجه برخی تغییرات صورت پذیرد و بر دورنمای روابط تهران و مسکو در فضای پسامنازعاتی سوریه اثرگذار باشد.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۲-۳-۵- تغییر در راهبردهای سیاست خارجی

هرگونه تحول عمیق در رویکردهای ایران، روسیه و سوریه به سیاست خارجی به صورت عام و منطقه غرب آسیا به صورت خاص، واجد ظرفیت شگفتی‌سازی است. این تغییر می‌تواند در رویکرد خاورمیانه‌محور جمهوری اسلامی ایران باشد و باعث تغییر رفتار تهران در منطقه شود. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که روسیه نیز در سیاست خاورمیانه‌ای خود تغییرات عمده‌ای ایجاد کند. علاوه بر این‌ها، تغییر رویکرد نظام سیاسی سوریه، حزب بعث یا شخص بشار اسد نسبت به تحولات منطقه‌ای، اولویت‌ها و استراتژی امنیتی سوریه نیز می‌تواند گسست جدی در هر سناریویی ایجاد و به عنوان عامل شگفتی‌ساز ایفای نقش کند.

علاوه بر این، هرگونه معامله کلان و اساسی در پرونده سوریه میان آمریکا با یکی از کشورهای ایران، روسیه یا سوریه نیز می‌تواند برای آینده منازعه یا همکاری میان تهران و مسکو، عاملی شگفتی‌ساز باشد. این معامله البته مؤلفه‌های کلانی خواهد داشت و می‌تواند بر بیشتر موضوعات خاورمیانه اثر گذارد. به ویژه اگر توافق کلانی میان مسکو و واشنگتن صورت گیرد؛ زیرا رقابت، همکاری یا منازعه آمریکا و روسیه واجد اثرگذاری فراوانی بر پویش‌ها و روندهای خاورمیانه خواهد بود (سریع‌القلم، ۱۳۹۶).

بنابراین و با توجه به بررسی سه دسته عوال پیشران‌ها، سدکننده‌ها و شگفتی‌سازها، می‌توان به معرفی و بررسی سناریوهای ممکن در روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه پرداخت که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۶- سناریوهای ممکن

در پرتو چارچوب مفهومی که به آن اشاره شد، سناریوهای ممکن در دورنمای روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعه سوریه عبارتند از: غلبه همکاری، غلبه منازعه و هم‌آیندی همکاری/منازعه.

۱-۶- غلبه همکاری

نخستین سناریو در دورنمای روابط ایران و روسیه در منازعه سوریه، غلبه همکاری در روابط دو کشور است. در این شرایط، پیشران‌های غلبه همکاری در روابط دو کشور یعنی مبارزه با تروریسم، نیاز متقابل ایران و روسیه به یکدیگر و حفظ نظم سیاسی حاکم بر سوریه،

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

باعث تحقق این سناریو می‌شود. از این‌رو، ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف ازجمله روند تدوین قانون اساسی و مشارکت معارضان در قدرت، مسئله کردها و تحولات شرق فرات، مبارزه با گروه‌های تروریستی حاضر در شمال سوریه و فرآیند بازسازی این کشور، همکاری خواهند داشت و می‌توانند به دستور کار مشخص و مورد توافق طرفین برسند.

۲-۶- غلبه منازعه

غلبه منازعه در روابط ایران و روسیه سناریو دیگری است که امکان تحقق آن در منازعه سوریه وجود دارد. در این شرایط سدکننده‌ها نقش مهم‌تری در تحقق سناریو دارند. درک متفاوت از لزوم بقای بشار اسد در قدرت، رقابت اقتصادی و نحوه تعامل با بازیگران منازعه به عنوان عوامل سدکننده غلبه همکاری بین ایران و روسیه یا پیشران غلبه منازعه بین این دو کشور محسوب می‌شوند.

۳-۶- هم‌آیندیِ همکاری/منازعه

علاوه بر دو سناریو ممکنِ غلبه همکاری یا غلبه منازعه، یک سناریو ممکنِ دیگر نیز وجود دارد که می‌توان با عنوان هم‌آیندی منازعه/همکاری از آن یاد کرد. در این سناریو نیروهای پیشران و سدکننده‌ها اثرگذاری توأمان دارند. به عبارت دیگر در این وضعیت، دورنمای روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه، نه کاملاً متأثر از پیشران‌هاست که به سمت غلبه همکاری حرکت کند و نه اثرپذیری تام و تمامی از سدکننده‌ها دارد که سناریو غلبه منازعه در آن محقق شود. در این وضعیت، عناصری از همکاری و منازعه به صورت توأمان در روابط دو کشور ایفای نقش خواهند کرد.

۷- تحلیل و ارزیابی سناریوها

همانطور که در بخش پیشین مطرح شد، غلبه همکاری، غلبه منازعه و هم‌آیندی همکاری/ منازعه سه سناریو محتمل در روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه است. هرکدام از این سناریوها می‌توانند از منظر یک بازیگر مطلوب و از منظر دیگری نامطلوب باشد. این احتمال نیز وجود دارد که هردو بازیگر یک سناریو را مطلوب و سناریوهای دیگر را نامطلوب قلمداد کنند. بنابراین مطلوب/نامطلوب بودن سناریوها بسته به اهداف و مطلوبیت‌های بازیگران مختلف، متفاوت خواهد بود. از این‌رو در بخش حاضر به ارزیابی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

سناریوهای ممکنِ پیش‌گفته از منظر منافع جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

سناریو نخست یا غلبه همکاری در روابط ایران و روسیه، سناریو مطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران است. زیرا می‌تواند از یک‌سو مانع از افزایش رقابت با روسیه به عنوان بازیگر مهم معادلات سوریه شود و از سوی دیگر موضع ایران در برابر کشورهای غربی و عربی را در فضای پسامنازعاتی این کشور تقویت کند. البته این سناریو با هرکدام از عناصر شگفتی‌ساز می‌تواند دگرگون شود. از این‌رو چرخش در رویکرد ایران یا روسیه به خاورمیانه، تغییر در استراتژی‌های امنیتی سوریه و مرگ یا ترور بشار اسد در کنار معامله کلان آمریکا با روسیه، می‌توانند تحقق این سناریو را مختل کنند.

غلبه منازعه، سناریو دومی بود که مطرح شد که به نظر می‌رسد سناریوی نامطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. با تحقق این سناریو، منافع ایران در فضای پسامنازعاتی سوریه با تهدید مواجه می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها افزایش فشار بر ایران برای خروج کامل نظامی از سوریه است (Spyer, 2018). عدم امکان تسلیح حزب‌الله، آسیب جدی به محور مقاومت، از دست دادن بازار صادراتی سوریه و عدم دسترسی به مدیترانه از طریق سوریه نیز می‌تواند از پیامدهای این سناریو برای ایران باشد.

سناریو سوم یا هم‌آیندی همکاری و منازعه، محتمل‌ترین سناریو برای دورنمای روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه است. چه‌اینکه تحولات میدانی و روندهای سیاسی سوریه نشان می‌دهند که نقاط اشتراک و سازگاری منافع ایران و روسیه آن‌چنان متعدد و عمیق نیست که روابط دو کشور به سمت غلبه همکاری حرکت کند. علاوه بر این نقاط اختلاف و ناسازگاری منافع دو کشور نیز چندان یک‌سویه نیست که بتوان غلبه منازعه را سناریو محتمل دورنمای روابط آن‌ها دانست.

در سناریوی هم‌آیندی همکاری/منازعه، همکاری ایران و روسیه به صورت کلی در روند تدوین قانون اساسی ادامه خواهد یافت؛ مبارزه با تروریسم و گروه‌های معارض مناطق شمالی سوریه ازجمله ادلب، حماه و حلب تداوم می‌یابد و همچنین هردو کشور تلاش خواهند کرد تا دولت مرکزی سوریه با کردها در موضوع شرق فرات به مصالحه دست یابد یا حداقل گفت‌وگوهایی میان کردها و دمشق آغاز شود.

از سوی دیگر و با وجود چنین روندهای همکاری‌آمیزی، نشانه‌هایی از وضعیت‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

منازعه‌آلود نیز در روابط ایران و روسیه در سوریه وجود دارد. روس‌ها قائل به تحقق فدرالیسم در سوریه هستند یا حداقل نسبت به موضوع فدرالیسم، حساسیت‌های کمتری از ایران دارند (Isaev & Zakharov, 2017). در این چارچوب، روسیه تلاش می‌کند موضوع فدرالیسم را در قانون اساسی سوریه نیز وارد کند؛ طرحی که آن را در یکی از نشست‌های آستانه مطرح کرده و با مخالفت ایران روبه‌رو شده بود. در زمینه مبارزه با معارضان نواحی شمالی سوریه نیز، ایران از عدم اجرای توافق «منطقه عاری از سلاح» ناراضی است؛ به‌گونه‌ای که حسن روحانی در چهارمین دور مذاکرات رؤسای جمهور ایران، روسیه و ترکیه درباره بحران سوریه این نارضایتی را صراحتاً اعلام کرد. روسیه اما همچنان قائل به جلب نظر ترکیه و فهم دغدغه‌های امنیتی این کشور است؛ موضوعی که رئیس‌جمهور روسیه در دیدارهای خود با رئیس‌جمهور ترکیه بر آن تأکید دوباره کرده است (Stolyarov, 2019).

۸- الزامات راهبردیِ دورنمای روابط ایران و روسیه در سوریه برای جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد وضعیت هم‌آیندیِ همکاری/منازعه در روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه، محتمل‌ترین سناریو ممکن باشد، چراکه هر دو کشور اولاً به طور همزمان دغدغه‌های ژئوپولیتیک و ایدئولوژیکِ مشترک و ماندگاری در قبال تحولات سوریه دارند که از یک سو با امنیت ملیِ آن‌ها پیوند خورده است و از سوی دیگر هم ریشه‌یافته از گذشته‌های دور هستند و هم خودتداوم‌بخش در آینده به شمار می‌آیند، که آنها را به تداوم همکاری سوق می‌دهد؛ و ثانیاً راهکارها، برنامه‌ها و سیاست‌های متفاوتی را برای رفع این دغدغه‌ها دارند که چه بسا با منافع انفرادیِ آن‌ها منافات داشته باشد. در این چارچوب، ایران باید تدابیر لازم برای بیشینه‌سازی منافع خود در صورت وقوع این سناریو را بیندیشد. زیرا مجموعه شرایط میدانی و سیاسی منازعه سوریه و روند گفت‌وگوهای آستانه نشان می‌دهد ایران همچنان نتوانسته است به دستور کار مشترکی با روسیه بر سر آیندهٔ سوریه برسد. موضوعات اختلافی در روابط تهران–مسکو ازجمله عدم واکنش صریح و جدی روسیه در مقابل حملات اسرائیل به خاک سوریه، سکوت مسکو در مقابل تسلیح معارضان نواحی شمالی سوریه از سوی ترکیه و عدم رعایت مفاد توافق منطقه عاری از سلاح از سوی آنکارا، پایبندی نسبی روسیه به تحریم‌های غرب در فرآیند بازسازی سوریه، عدم پافشاری احتمالی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

مسکو مبنی بر حضور بشار اسد در آینده نظام سیاسی سوریه، نشست سه‌جانبه روسیه با آمریکا و اسرائیل در بیت‌المقدس، مواضع همسو با ترکیه و ناهمسو با ایران در نشست‌های سه جانبه در آستانه و سوچی و برخی موارد دیگر می‌تواند روابط تهران و مسکو را به سمت غلبه منازعه پیش برد و تهدیداتی را برای منافع ایران در سوریه به دنبال داشته باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد هم‌آیندی همکاری/منازعه در آینده روابط ایران و روسیه در سوریه، وضعیت دوپهلو و حتی شکننده‌ای را ایجاد کرده است که مجموعه عناصر سدکننده می‌تواند آن را به سمت غلبه منازعه سوق دهد. این روند به طور قطع مطلوب امریکا خواهد بود؛ چراکه به دنبال خروج نسبی نیروهای امریکایی از برخی پایگاه‌ها در شرق فرات، واشنگتن بیش از پیش خواهد کوشید از شکاف ایران و روسیه در جهت پیشبرد کم‌هزینه‌تر منافع خود در این کشور بهر گیرد (Parker, 2019: 36-39).

از این‌رو به نظر می‌رسد مهم‌ترین اولویت جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی منازعه سوریه، باید توافق روی یک دستور کار مشترک با روسیه باشد که بر مبنای آن، وجه همکاری روابط دو کشور بر بُعد منازعه آن غلبه یابد. تقویت بسترها و عواملی که می‌تواند باعث سازگاری بیشتر منافع ایران و روسیه در سوریه شود و از ناسازگاری منافع بکاهد، ضروری به نظر می‌رسد (ر.ک به Yazigi, 2018: 20-29).

این دستور کار مشترک البته یک نقطه کانونی چالش‌برانگیز خواهد داشت که آن امنیت اسرائیل است. روسیه خود را متعهد به فهم دغدغه‌های امنیتی اسرائیل می‌داند و تاکنون نیز تلاش کرده تا راهبرد توازن‌بخشی میان تهران و تل‌آویو را به کار ببرد (بارمین، ۱۳۹۷). بنابراین ایران باید ضمن آگاهی و هوشمندی لازم نسبت به این راهبرد، مواجهه واقع‌بینانه‌ای با آن داشته باشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۹- نتیجه‌گیری

ایران و روسیه به عنوان دو کنشگر مهم منازعه سوریه در سال‌های اخیر مجموعه‌ای از نقاط اشتراک و اختلاف را داشته و دارند. با تضعیف تسلط گروه‌های تروریستی بر خاک سوریه و افزایش اهمیت فرآیندهای سیاسی، سازگاری یا ناسازگاری منافع ایران و روسیه در سوریه بیش از گذشته حائز اهمیت شده و از این‌رو بررسی دورنمای آن ضروری به نظر می‌رسد.

براین اساس توجه به مفاهیم همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل از یک‌سو و استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی و روش سناریونویسی از سوی دیگر، می‌تواند زمینه شناخت و واکاوی دورنمای روابط ایران و روسیه در فضای پسامنازعاتی سوریه را فراهم کند. از این‌رو می‌توان برای این دورنما، سه سناریو ممکنِ غلبه همکاری، غلبه منازعه و هم‌آیندی همکاری/منازعه را در نظر گرفت. پژوهش حاضر نشان داد که بر مبنای مجموعه تحولات و شواهد میدانی و سیاسی، از میان سه سناریو مذکور، غلبه همکاری و غلبه منازعه را می‌توان به ترتیب سناریو مطلوب و نامطلوب برای ایران دانست و هم‌آیندی همکاری/منازعه محتمل‌ترین سناریو خواهد بود.

تحلیل سناریوهای سه‌گانه بالا، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد منافع خود در سوریه و دستیابی به سناریوی مطلوب و ممانعت از وقوع سناریو نامطلوب، ناگزیر از ارتقای سطح همکاری با روسیه از طریق تعریف یک دستور کار جامع درباره همه نقاط اشتراک و اختلاف است، به گونه‌ای که متضمنِ نوعی مدیریت مناسبات میان دو طرف بر سر سوریه به موازات مدیریت منازعه در این کشور باشد. چنین دستورکاری اگر با ابتکار ایران صورت گیرد و نظام سیاسی سوریه نیز در تحقق آن همسو باشد، می‌تواند ایران و روسیه را به سمت غلبه همکاری سوق دهد. در غیر این‌صورت تداوم سناریو هم‌آیندی همکاری/منازعه با توجه به وجود عوامل سدکننده، باعث بروز وضعیتی شکننده خواهد شد که طبیعتاً چالش‌ها و تهدیدات متعددی برای منافع ایران خواهد داشت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

فهرست منابع

۱. اخوان کاظمی، مسعود و دیگران (۱۳۹۷). «آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*. سال پنجم (شماره ۲۴). ۲۱۴-۱۹۱.

۲. بارمین، یوری (۱۳۹۷). «ویژگی خاورمیانه‌ای روابط روسیه و اسرائیل». ترجمه رقیه کرامتی‌نیا. *گزارش پژوهشی ایراس*. قابل دسترسی در: http://www.iras.ir/fa/doc/article/۳۸۱۵

۳. پدرام، عبدالرحیم و زالی، سلمان (۱۳۹۷). «الگویی نوین برای سناریونویسی در موضوعات راهبردی؛ مطالعه موردی: سناریوهای آینده بحران سوریه». *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*. سال هفتم (شماره ۲). ۲۶-۱.

۴. ترابی، قاسم و موسوی نقلی، مژگان (۱۳۹۷). «سناریوهای پیش‌روی سوریه و امنیت ایران». *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*. سال ششم (شماره ۱). ۸۲-۵۳.

۵. حاتمی، محمد رضا (۱۳۹۵)، «کارویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال ششم (شماره ۲). تابستان ۱۳۹۵. صص ۱۵۰-۱۲۷.

۶. درآینده، روح‌الله و احمدی، حمید (۱۳۹۷). «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران». *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*. سال یازدهم (شماره ۴۴). ۹۵-۶۹.

۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). *کلیات روابط بین‌الملل*. تهران: مخاطب.

۸. ستوده، علی اصغر و کیانی، آذین (۱۳۹۷)، «تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. سال هشتم (شماره ۴). زمستان ۱۳۹۷. صص ۱۳۵-۱۷۳.

۹. سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵). «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. سال دوازدهم (شماره ۱). ۱۴۰-۱۰۱.

۱۰. سیمبر، پادروند و دیگران (۱۳۹۶). «بررسی سیاست خارجی ایران در بحران سوریه با تأکید بر نظریه موازنه تهدید (۲۰۱۷-۲۰۱۱)». *دوفصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، سال سوم (شماره ۱). ۳۴-۷.

۱۱. شوارتز، پیتر (۱۳۸۶). *هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت*. ترجمه علی علیزاده. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی. مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

۱۲. صادقی، شمس‌الدین و مرادی، سمیرا (۱۳۹۶). «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*. دوره دهم (شماره ۱). ۱۷۰-۱۵۳.

۱۳. طالبی آرانی، روح‌اله (۱۳۹۶). «فروماندگی دولت و بی‌ثباتی تسلیحات‌بنیان در غرب آسیا (۲۰۰۱ ـ ۲۰۱۷)». *کنفرانس روندهای تسلیحاتی و امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا*. ۱۷۳-۱۵۰.

۱۴. عسگرخانی، ابومحمد و منصوری مقدم، جهانشیر (۱۳۸۹). «همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه‌انگارانه الکساندر ونت». *فصلنامه سیاست*. دوره چهلم (شماره ۳). ۲۰۸-۱۸۹.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

۱۵. فرشادگهر، ناصر و دیگران (۱۳۹۶). «واکاوی روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران سوریه». *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*. سال اول (شماره ۲). ۱۶۵-۱۳۹.
۱۶. قربانی‌نژاد، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی مفهوم منازعه در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلتیک». *فصلنامه راهبرد*. سال بیست و سوم (شماره ۷۰). ۲۹۱-۲۶۵.
۱۷. کوچک‌زاده، رضا و گودرزی، مهناز (۱۳۹۷). «نظریه انتخاب عقلانی: دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران». *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*. سال شانزدهم (شماره ۷۳). ۱۶۴-۱۳۳.
۱۸. مسعودی، حیدرعلی (۱۳۹۲). «اهداف و انگیزه‌های روسیه از ورود فعال به بحران سوریه». *گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*. شماره ۱۳۲۸۷. قابل دسترس در: http://rc.majlis.ir/fa/report/show/۸۶۱۱۶۱
۱۹. میرحسینی، محسن و رحیم‌پور اصل، ایرج (۱۳۹۸). «سناریوهای پیش‌روی ایران در بحران‌های سوریه و عراق و راهبردهای برون‌رفت از آن‌ها». *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*. دوره نهم (شماره ۳۰). ۳۰۵-۲۸۳.
۲۰. علیزاده، عزیز، ناظمی، امیر و وحیدی مطلق، وحید (۱۳۸۷). *سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها*. تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.

منابع انگلیسی:

1. Barnes-Dacey, Julien (2019). "Geo-Politics of Reconstruction: Who Will Rebuild Syria and Pay for It?" in Eugenio Dacrema and Valeria Talbot. *Rebuilding Syria: The Middle East's Next Power Game?*. Milano: Ledizioni LediPublishing. 59-74.
2. Bell, W. (1996). "An Overview of Futures Studies" in R. Slaughter. *New Thinking for a New Millennium*. New York: Routledge.
3. Blanchard, Jean-Marc F. & Shen, Simon (2015). *Conflict and Cooperation in Sino-US Relations: Change and Continuity, Causes and Cures*. New York: Routledge.
4. Bozorgmehr, Sharafedin (2015). "Iranian commander Soleimani meets Putin in Moscow". Reuters. Available at: https://www.reuters.com/article/uk-mideast-crisis-iran-russia/ idUKKBN0TZ1NY20151216
5. Carpenter, Stephen R.)2003(. "Scenario Planning a Tool for Conservation in an Uncertain World". *Conservation Biology*. 17(2), 358-366.
6. Duclos, Michel (2019). "Russia and Iran in Syria: a Random Partnership or an Enduring Alliance?." *Atlantic Council*. Available at:https://www.atlanticcouncil.org/wpcontent/uploads/2019/06/Russia_and_Iran_in_Syria_a_Random_Partnership_or_an_Enduring_Alliance.pdf.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

7. Dutkiewicz, Piotr & Kozhanov, Nikolay (2016). "Civil War in Syria and the Evolution of Russian-Iranian Relations". *Emirates Policy Center*. Russian Studies Unit. May 2016. at: http://epc.ae/sites/default/files/2016-09/Reserach%20Paper--Civil%20War%20in%20Syria_0.pdf
8. Hataher, Sinan) 2019(. "Russia and Iran: Economic Influence in Syria". *Chatham House*. Available at: https://www.chathamhouse. org/ sites/default/files/publications/research/20190308RussiaAndIranEconomicInfluen ceInSyria.pdf
9. Hetou, Ghaidaa (2019). The Syrian Conflict: the Role of Russia, Iran and the US in a Global Crisis. New York: Routledge.
10. Hodali, Diana (2018). "Rebuilding Syria: Who Should Foot the Bill for Assad?". Available at: https://www.dw.com/en/a-45389963
11. Jones, Harrigton et al.)2019(. "Dangerous Liaisons: Russian Cooperation with Iran in Syria". Available at: https://www.csis.org/analysis/dangerous-liaisons-russian-cooperation-iran-syria
12. Khouri, G. Rami (2018). "the Imlications of the Syrian War for New Regional Orders in the Middle East". *MENARA Working Papers*. No. 12. September 2018. At: https:// www.iai.it/sites/default /files/menara_wp_12.pdf
13. Karim, Sajid & Islam, Nazmul Md. (2016). Syrian Crisis: Geopolitics and Implications". *BIISS Journal*, Vol. 37, No. 2, April 2016: 107-132 June 2017.
14. Keohane, Robert (1984). *After Hegemony*. Princeton: Princeton University Press.
15. Larulle, Marlene (2019). "Russia Policy in Syria and the Middle East". *Institute for European, Russian and Eurasian Studies*, Available at https://www.academia. edu/39745313/Edited_Russias _Policy_in_Syria_and_the_Middle_East_CAP_ paper_212_January_2019
16. Matveev, Igor (2019). "How Russia plans to take part in building Syria's IT sector". *Al-Monitor*. Available at: https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/06/russia-syria-it-technologies-reconstruction.html
17. Meijnders, Minke et al (2017). "Syria in 2019: four scenarios, Implications for policy planning". *Clingendael Report*. Netherlands Institute of International Relations. 2017
18. Nye, Joseph & Welch, David (2014). *Understanding Global Conflict and Cooperation*. London: Pearson.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]

19. Parker, John W. (2019). *Between Russia and Iran: Room to Pursue American Interests in Syria*. Washington, D.C.: National Defense University Press.

20. Shatz, Howard J. (2019). "The Syrian Civil War Is Coming to an End". *RAND*. At: https://www.rand.org/blog/2019/04/the-syrian-civil-war-is-coming-to-an-end.html

21. Spyer, Jonathan (2018). "Putin's Endgame in Syria Has Arrived", *Foreign policy*. Available at: https://foreignpolicy.com /2018/05/24/putins-endgame-in-syria-has-arrived/

22. Stolyarov, Gleb (2019). "Russia, Turkey agree steps to tackle militants in Syria's Idlib: Putin". *Reuters*. Available at: https://www.reuters.com/article/us-syria-security-russia-turkey/ idUSKCN1VH0M8

23. Suzuki, Motoshi & Okada, Akira (eds.) (2017). *Games of Conflict and Cooperation in Asia*. Yokeyo: Springer Japan.

24. UNHCR)2019(. "Syria Regional Refugee Response". Available at: https://data2.unhcr.org/en/situations/syria

25. Yazigi, Jihad (2018). Reconstruction or Plunder? How Russia and Iran Are Dividing Syrian Resources. In IFA. *Reconstructing Syria, Risks and side effects: Strategies, Actors and Interests*. Leibzig: IFA Press.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۵

وفایی فرد، فرهاد؛ طالبی آرانی، روح‌اله (۱۳۹۸)، «آیندهٔ روابط ایران و روسیه بر سر سوریه (همکاری یا منازعه؟)»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۴، زمستان ۹۸، صص ۱۱۸-۹۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-10]